



Comparison the Causes of Celibacy and Delay in Marriage among Male and Female Students, with Emphasis on their Attachment Styles

Sanaz Ekhlasi¹ , Naser Sobhi Gharamaleki^{2*} , Biuok Tajeri³

1. MA, Department of Psychology, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Associate Professor, Department of Psychology, Allameh Tabatabaie University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

3. Assistant Professor, Department of Health Psychology, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran.

❖ Corresponding Author Email: sobhi@atu.ac.ir

Journal Info:

Volume 1, Issue 1 Sprint 2022
Pages: 36-45

Article Dates:

Receive: 2022/01/02
Accept: 2022/04/07
Published: 2022/06/21

Keywords:

Delayed Marriage, Tendency to Marriage, Attachment Styles.

The current study aimed to comparison the causes of celibacy and delay in marriage among male and female students, with emphasis on their attachment styles. The research design was descriptive with correlational and also ex post facto type. During the 2016-2017 academic years, 300 single students (150 Male- 150 Female) from state and Islamic Azad Universities were selected by cluster sampling and inclusion- exclusion criteria. The research tools were Marriage Interest questionnaire (Student Edition, Persaud), Adult Attachment Scale (AAC) and a researcher-made questionnaire. The data were analyzed by multivariate analysis of variance (MANOVA), and stepwise multiple regression procedures. The results showed that legal factors in female students and cultural factors in male students are the significant factors for delayed marriage and celibacy in students. Moreover, attachment styles can determine 5.1 % variance of students' interest in marriage. Altogether, the results of this research indicate that students with secure attachment style have more tendency to marriage. Hence, training children with secure attachment style, improving the attachment style of young people, and remove the legal and cultural barriers of youth marriage could be increase the tendency to marriage.

Article Cite:

Ekhlasi S, Sobhi Gharamaleki N, Tajeri B. (2022). Comparison the Causes of Celibacy and Delay in Marriage among Male and Female Students, with Emphasis on their Attachment Styles, *Psychological Dynamics in Mood Disorders*; 1(1): 36-45





مقایسه علل تجرد و تاخیر ازدواج در میان دانشجویان دختر و پسر با تأکید بر سبک‌های دلبستگی

ساناز اخلاصی^۱ ID، ناصر صبحی قراملکی^۲ ID، بیوک تاجری^۳ ID

۱. کارشناسی ارشد، گروه روانشناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. دانشیار، گروه روانشناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

۳. استادیار، گروه روانشناسی سلامت، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

✉ ایمیل نویسنده مسئول: sobhi@atu.ac.ir

اطلاعات نشریه:

دوره ۱، شماره ۱، بهار ۱۴۰۱

صفحات: ۴۵-۳۶

تاریخ‌های مقاله:

دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۲

پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۱۸

انتشار: ۱۴۰۱/۰۳/۳۱

واژگان کلیدی:

تاخیر در ازدواج، رغبت به ازدواج، سبک‌های دلبستگی

هدف پژوهش حاضر مقایسه علل تجرد و تاخیر ازدواج در میان دانشجویان دختر و پسر با تأکید بر سبک‌های دلبستگی است. طرح پژوهش حاضر توصیفی از نوع پیمایشی و همچنین از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی دانشجویان مجرد دانشگاه‌های دولتی و غیردولتی شهر تهران که در سال تحصیلی ۱۳۹۵-۱۳۹۶ مشغول تحصیل می‌باشند که با استفاده از شیوه‌ی نمونه‌گیری خوشه‌ای ۳۰۰ نفر انتخاب شدند (۱۵۰ نفر دختر - ۱۵۰ نفر پسر). ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه‌های رغبت سنج ازدواج (پرساد)، دلبستگی کولینز و رید برای بررسی علل تجرد و پرسشنامه محقق ساخته تاخیر سنج ازدواج برای بررسی تاخیر در ازدواج بود. داده‌ها با استفاده از آزمون تحلیل واریانس چند متغیری و رگرسیون چندگانه به شیوه گام به گام مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد که در دانشجویان دختر عوامل حقوقی و در دانشجویان پسر عوامل فرهنگی به طور معناداری جزء عوامل تاخیر در ازدواج می‌باشند. همچنین نتایج نشان داد که نوع سبک‌های دلبستگی افراد ۵/۱ درصد واریانس رغبت به ازدواج را تبیین می‌کند. به طور کلی نتایج پژوهش حاضر بیانگر آن است که افراد با سبک دلبستگی ایمن، رغبت بیشتری برای ازدواج کردن دارند. از این رو تلاش در جهت آموزش پیشگیرانه به والدین برای ایجاد سبک دلبستگی ایمن در فرزندان و ارائه‌ی راهکارهایی به منظور اصلاح سبک دلبستگی جوانان همراه با سیاست‌گذاری مسئولان این حوزه در جهت رفع موانع حقوقی و فرهنگی ازدواج جوانان، در افزایش رغبت به ازدواج و کاهش سن آن موثر خواهد بود.

استناد به مقاله:

اخلاصی س، صبحی قراملکی ن، تاجری ب. (۱۴۰۱). مقایسه علل تجرد و تاخیر ازدواج در میان دانشجویان دختر و پسر با تأکید بر سبک‌های دلبستگی، پویایی روانشناختی در اختلالات خلقی؛ (۱): ۴۵-۳۶



مقدمه

ازدواج پیمان مقدسی است که در میان تمام اقوام و ملل و در تمامی زمان ها و مکان ها وجود داشته است. ازدواج سرآغاز تشکیل خانواده است و خانواده یکی از قدیمی ترین نهادهای اجتماعی است که تاریخی به قدمت حیات انسان دارد (گیدنز، ۲۰۰۸). نهاد ازدواج، کلید رشد بلوغ زایمان، سنگ بنای یک خانواده پایدار و واحد اساسی یک جامعه سالم است (ویلکاکس، ولفینگر و استوک ۲۰۱۵). امروزه توسعه و تغییرات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در جوامع، منجر به تغییر در زمان ازدواج و تاخیر آن به زمان های دورتر شده است (جانسون، ۲۰۰۳). زمان ازدواج و تشکیل خانواده، از عوامل مختلفی تاثیر می پذیرد. فروپاشی نظام های خانوادگی گسترده، جایگزینی اقتصاد تجاری و صنعتی به جای اقتصاد کشاورزی سنتی، پیچیده تر شدن تقسیم کار اجتماعی، گسترش تحصیلات همگانی و مشارکت بیشتر زنان در فعالیت های اقتصادی و اجتماعی خارج از خانه، عواملی هستند که در تاخیر ازدواج نقش دارند (محمودیان، ۱۳۸۳). در آمریکا، جوانان از محله های فقیر، مدارس بد و خانواده های کمتر تحصیل کرده، فرصت کمتری برای ازدواج دارند (ویلکاکس، ۲۰۱۸). ایالات متحده تفاوت های نژادی و قومی در الگوهای ازدواج را نشان می دهد (رالی، سوینی و واندر، ۲۰۱۵). به طوری که میزان ازدواج در میان آمریکایی های سیاه پوست کمتر از سایر گروه های قومی است (ریلی و همکاران، ۲۰۱۵).

چهار دهه گذشته شاهد کاهش سریع نرخ ازدواج و افزایش سریع تولد خارج از ازدواج بوده است (هاسکینز ۲۰۱۵). جوامع انسانی طی دو قرن اخیر، شاهد افزایش قابل توجه سن ازدواج بوده اند (جانسون، ۲۰۰۳). این افزایش نخست در کشورهای اروپایی اتفاق افتاد و سپس در قرن بیستم به کشورهای در حال توسعه سرایت کرد (لوکاس و میر، ۱۹۹۴، ترجمه محمودیان، ۱۳۹۴). در آمریکا تنها ۴۰ درصد بزرگسالان جوان بین ۲۸ تا ۳۴ سالگی ازدواج می کنند (ونگ و ویلکاکس، ۲۰۱۷). سیاست کشورها نیز در گرایش افراد به زندگی مجردی موثر بوده است (میترا، ۲۰۰۴). به طوری که در آمریکا قبل از سال ۱۹۶۹، افراد مجرد از امتیاز کمتری در زمینه کاهش مالیات برخوردار بوده اند ولی بعد از سال ۱۹۶۹ امتیازات بیشتری برای افراد مجرد در نظر گرفته شد و این مسئله باعث تشدید زندگی مجردی شد (کوسومبینگ و هالمن، ۲۰۰۳). روند افزایش سن ازدواج در اروپا و آمریکا به سایر کشورها نیز کشیده شده است. به طوری که تا سال ۱۹۷۰ در اغلب کشورهای آسیایی، گرایش به سمت ازدواج زودهنگام داشتند ولی از سال ۱۹۷۰ به بعد، گرایش به سمت ازدواج در سنین بالا تغییر یافت (شارپ، ۲۰۰۷).

در ایران نیز بر طبق آمارهای رسمی تا سال ۱۳۸۹ روند ثبت ازدواج افزایشی بوده، اما از آن به بعد شاهد روند کاهشی ازدواج هستیم تا جایی که در سال ۱۳۹۳، تنها ۷۲۴ هزار ازدواج ثبت شده است. همچنین میانگین سن ازدواج مردان به ۲۸/۱ سال و برای زنان به ۲۳/۵ سال رسیده است که این آمار در مورد کلان شهرها فرق می کند. مثلاً در تهران میانگین سن ازدواج مردان ۳۱ سال و زنان ۲۷ سال است. در حالی که در دهه ۵۰ برای مردان ۲۴/۱ سال و برای زنان ۱۹/۷ سال بوده است (محزون، ۱۳۹۵).

ایران همچون سایر کشورهای جهان سوم، در مرحله گذار از سنت به مدرنیته است که تغییرات اجتماعی وسیعی را در همه پدیده های اجتماعی از جمله در ازدواج و همسرگزینی ایجاد کرده است. تغییراتی که موجب شده است تا مردان و زنان، نگرش نوینی از پیوند زناشویی و ازدواج داشته باشند و آن را نه فقط به عنوان یک رابطه جنسی و تولید فرزند، بلکه برای وجود آوردن یک زندگی کمال گرا، توأم با عشق و همدلی بدانند (رونالد و بیکر، ۲۰۰۰). دنیای جدید باعث بالا رفتن سطح آگاهی های اجتماعی، سواد عمومی و تحصیلات شده و به موازات آن سطح توقعات و انتظارات زنان و مردان به مراتب بیشتر از گذشته شده است (بحیرانی و حضرتی صومعه، ۱۳۹۰) که همین موضوع در افزایش سن ازدواج تا حدودی موثر می باشد.

با این حال، انتظارات ازدواج در یک دوره زمانی خاص، می تواند موجب تشویق رفتارهایی شود تا ازدواج قابل دستیابی باشد، مانند اقداماتی برای افزایش امنیت مالی یا بهبود رابطه (آروکو و داش، ۲۰۱۸).

میانگین بالای سن ازدواج در سال های اخیر، این واقعیت را نشان می دهد که امروزه جوانان دیرتر به بلوغ اقتصادی و اجتماعی می رسند و فاصله میان بلوغ جنسی عاطفی و بلوغ اقتصادی و اجتماعی آنها روز به روز بیشتر می شود (آبدخت، ۱۳۸۴ و حسن زاده، ۱۳۸۷). با توجه به اینکه در سال های اخیر فاصله بلوغ تا ازدواج به ۱۵ سال افزایش یافته است. در این فاصله جوانان بالاتکلیف و سرگردان هستند. توجه به این نکته و از بین بردن موانعی که این فاصله را افزایش می دهند، از ضروریات است. زیرا در این دوره بالاتکلیفی جوان و به تبع آن جامعه در معرض خطر قرار می گیرد و به نظر می رسد نادیده گرفتن عوارض جسمی و روحی و روانی این تاخیر اصلاً به صلاح جامعه نباشد (کاری، ۱۳۸۲).

علاوه بر پیامدهای یاد شده، سن ازدواج می تواند تبعات اجتماعی و روانی نیز به همراه داشته باشد (ایگل و صالحی، ۲۰۰۹). ازدواج در سنین بالاتر به این معنا است که جوانان باید دوره های طولانی تری را در خویشتن داری جنسی بگذرانند، که این خود باعث وارد شدن فشار روحی و روانی، افسردگی، اختلالات جنسی، اضطراب و به وجود آمدن بسیاری از امراض روانی دیگر در آنان می شود (دلخوش، ۱۳۸۸). از دیگر تبعات اجتماعی تاخیر در ازدواج جوانان می توان به عدم مسئولیت پذیری، گرایش به ارتباطات غیر متعارف دختر و پسر، بدخلقی در زندگی به دلیل عدم ارضای نیازهای فرد، دل نگرانی

1- Johnson

2- Qusumbing & Hallman 8

3- Sharp

4- Ronald & Baker

والدین از دیر ازدواج کردن فرزندان، گرایش به مواد مخدر و بسیاری از آسیب‌های دیگر اشاره نمود (محمودیان، ۱۳۸۳). که وجود این مشکلات و تبعات آن با فراوانی بالا در مقالات مختلف پرداخته شده است، پژوهشگر را راغب کرد که به جای بررسی پیامدهای تأخیر در ازدواج به دنبال بررسی علل مرتبط با این تأخیر باشد.

یکی از عوامل مؤثر در ایجاد ارتباط یک فرد با دیگران، الگوی سبک دلبستگی فرد است (فنی و نولر، ۱۹۹۰). بطوریکه هرگونه آشفتگی یا آسیبی بر روی رابطه کودک- مادر اثر داشته باشد، می‌تواند بر توانایی فرد برای تشکیل دلبستگی و روابط صمیمانه تأثیر بگذارد (سیمپسون، ربولز و نلیگان، ۱۹۹۸). به عبارتی دیگر سبک دلبستگی افراد، تأثیر فراگیری بر روابط با دیگران به ویژه در رابطه‌ی زن و شوهری دارد (فنی، ۱۹۹۹؛ باگاروزی، ۲۰۰۱، جانسون، ۲۰۰۳). فنی و نولر (۱۹۹۰)، معتقد است که دو شاخص ترس از طرد شدن و احساس آسودگی در روابط، عناصر مهم رفتار دلبستگی در ازدواج هستند بطوریکه فقدان ترس از طرد شدن و احساس آسودگی نشان دهنده دلبستگی ایمن، و ترس از طرد شدن بیانگر دلبستگی دوسوگرا می‌باشد. بعلاوه افراد دارای سبک دلبستگی اجتنابی فاقد احساس آسودگی می‌باشند.

نتایج پژوهش زارعان (۱۳۹۷) نشان می‌دهد که شرکت‌کنندگان زندگی مجردی را به دو گونه "مجردی آسیب‌زا" و "مجردی لذت‌بخش" تقسیم می‌کنند. علت به تأخیر انداختن زنان مجرد را می‌توان به دو مفهوم اصلی "مناسبت درونی" و "مناسبت بیرونی" محدود دانست. پاسخگویان "سادگی در ازدواج، قدرت درک متقابل در ازدواج، شجاعت برای اقدام ازدواج، مهارت اداره زندگی مستقل، حمایت خانواده نه دخالت در ازدواج و همگونی فرهنگی" را در ازدواج بهنگام مؤثر می‌دانند. شهناز و اعظم‌آزاده (۱۳۹۸)، در پژوهشی با عنوان شناسایی و تحلیل پیش‌ران‌های مؤثر بر تجرد در ایران به این نتیجه رسید که عوامل نظیر تأثیر رسانه‌های جمعی بر تغییر نگرش جوانان، پایگاه اقتصادی-اجتماعی خانواده، ناکارآمدی برنامه‌های دولت و نهادهای زیربنا برای تسهیل به عنوان عوامل تأثیرگذار بر تجرد به دست آمد. همچنین در پژوهش رشیدیان و پژوهان (۱۳۹۸) برای بررسی افزایش دوران تجرد بر روی نمونه‌ای به حجم ۳۸۴ نفر، نتایج نشان داد که بین متغیرهای نوع شغل، وضعیت مسکن خانواده، میزان تحصیلات فرد، شرایط خاص شخصی، میزان تحصیلات والدین و سن (به ترتیب از میزان تأثیرگذاری بیشتر تا کمتر) با گرایش به افزایش دوران تجرد رابطه معنادار وجود دارد. اما بین جنسیت با گرایش به افزایش دوران تجرد رابطه معنادار وجود نداشت. ورود مدرنیته و تفکرات مدرنیسم در جامعه ایران، ازدواج، خانواده و تشکیل زندگی مشترک را تحت تأثیر قرار داده است. افزایش سن ازدواج و یا تجرد قطعی یکی از پدیده‌هایی است که به دنبال مدرنیته اتفاق افتاده است. بسیاری از جوانان به دلایلی همچون تحصیلات، دستیابی به شغل موردنظر و درآمد بالا از ازدواج بهنگام سرباز می‌زنند و با تأخیر در ازدواج روبرو هستند. تأخیر در سن ازدواج مسائل و مشکلات زیادی را برای فرد و جامعه ایجاد می‌کند. مسائلی همچون عدم جایگزینی نسلی، ناهنجاری در ارضای نیازهای جنسی، روابط خارج از چهارچوب ازدواج و ناراحتی‌های روحی - روانی مسائلی است که با تأخیر سن ازدواج اتفاق می‌افتد. دختران افزون بر مسائل فوق با مشکلات بیشتری روبرو هستند. آنان اغلب با بالا رفتن سنشان برای همیشه فرصت ازدواج را از دست می‌دهند و یا در برخی مواقع تن به ازدواج با مردانی می‌دهند که قبل از این هرگز آن ازدواج را نمی‌پذیرفتند. تحقیقاتی در این زمینه صورت گرفته است اما باور داریم که به‌واسطه تفاوت در دستاوردهای پژوهش‌های پیشین لازم است که مسئله گرایش به ازدواج از دیدی جامع موردسنجش واقع شود. از این رو پژوهش حاضر به دنبال تعیین عوامل مؤثر در تجرد و تأخیر در ازدواج دانشجویان دختر و پسر می‌باشد.

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانشجویان مجرد دانشگاه‌های دولتی و غیردولتی شهر تهران در سال تحصیلی ۱۳۹۵-۱۳۹۶ می‌باشند که بر اساس شیوه‌ی نمونه‌گیری خوشه‌ای ابتدا ۴ دانشگاه از ۴۲ دانشگاه تهران جنوب، سوره، شاهد و تربیت مدرس به طور تصادفی انتخاب و با توجه به ملاک‌های ورود- خروج ۳۰۰ نفر انتخاب شدند (۱۵۰ نفر مرد- ۱۵۰ نفر زن). ملاک‌های ورود شامل موارد زیر بود: ۱- بازه سنی ۱۸ تا ۲۶ ساله برای دانشجویان زن و ۲۰ تا ۲۸ ساله برای دانشجویان مرد، ۲- قبلاً هرگز ازدواج نکرده باشد.

ابزار پژوهش

پرسشنامه رغبت سنج ازدواج، نسخه دانشجویی (پرساد): این پرسشنامه توسط حیدری، مظاهری و پوراعتماد در سال ۱۳۸۳ طراحی و هنجاریابی شده است. این پرسشنامه دارای ۲۴ سوال شامل ۲۳ سوال با طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای (کاملاً موافقم، موافقم، نمی‌دانم، مخالفم، کاملاً مخالفم) و یک سوال اضافی برای سن طلایی ازدواج ساخته شده است. این پرسشنامه دارای چهار زیر مولفه‌ی بازخورد نسبت به ازدواج، آمادگی و تمایل برای ازدواج، نگرش نسبت به پیامدهای ازدواج و موانع ازدواج می‌باشد. بعلاوه پرساد دارای یک نمره کل برای رغبت به ازدواج نیز می‌باشد. روایی صوری آن از طریق اجرای آزمایشی و نظرخواهی از پاسخ دهندگان و ۵ نفر از اساتید روانشناسی تأیید شده است. همچنین میزان اعتبار آن از طریق آزمون- باز آزمون ($r=0/77$) و همسانی درونی آن (آلفای کرونباخ $= 0/92$) گزارش شده است (حیدری و دیگران، ۱۳۸۳).

5- Feeney & Noller

6- Simpson, Rholes & Neliigan

7- Feeney

8- Bagarozzi

مقیاس دلبستگی کولینز و رید (RAAS): این مقیاس توسط کولینز و رید در سال ۱۹۹۰ بر اساس نظریه هازان و شاور طراحی شده است. این مقیاس در ابتدا دارای ۲۱ ماده بود که بعدها به ۱۸ آیتم کاهش یافت و طیف پاسخگویی آن لیکرت ۵ درجه‌ای (۱= اصلاً ویژگی من نیست تا ۵= کاملاً ویژگی من است) می‌باشد. این پرسشنامه سه زیر مقیاس دارد که عبارتند از سبک اضطرابی (که با سبک دلبستگی دوسوگرا مطابقت دارد)، سبک نزدیک بودن (که با سبک دلبستگی ایمن مطابقت دارد) و سبک وابستگی (که تقریباً عکس دلبستگی اجتنابی است). کولینز و رید پایایی این پرسشنامه را بالای ۰/۸۰ گزارش کردند (کولینز و رید، ۱۹۹۰). همچنین طلاییان و وازپور (۱۳۸۲) میزان پایایی بازآزمایی آن را ۰/۹۵ گزارش کرده‌اند.

پرسشنامه محقق ساخته تاخیر سنج ازدواج: این ابزار بر اساس نظریه همگرایی خانواده باومن، اجتناب از شکست مک دونالد از دو قسمت تشکیل شده است. قسمت اول شامل ۶ سوال در مورد ویژگی‌های جمعیت شناختی نظیر جنسیت، سن، مدرک تحصیلی، قومیت، تعداد خواهرها و برادرهای بزرگتر می‌باشد. در قسمت دوم دیدگاه و نگرش پاسخگویان در مورد علل تاخیر ازدواج و تجرد بررسی می‌شود و دارای ۲۹ سوال و شامل مؤلفه‌های اجتماعی- اقتصادی، عوامل اعتقادی، عوامل حقوقی و عوامل فرهنگی می‌باشد.

این پرسشنامه بر روی ۳۰۰ نفر از دانشجویان مجرد دانشگاه‌های دولتی و غیر دولتی شهر تهران اجرا گردید و با استفاده از تحلیل عوامل با روش چرخش از نوع واریماکس، چهار عامل برای آن مشخص شد که این عوامل همگی از مقدار ویژه بالاتر از ۱ برخوردار بودند. این چهار عامل عبارتند از علل اقتصادی- اجتماعی (۱۱ گویه)، عوامل اعتقادی (۴ گویه)، عوامل حقوقی (۷ گویه) و عوامل فرهنگی- سنتی (۷ گویه) است. روایی محتوایی این پرسشنامه از طریق اجرای آزمایشی و نظرخواهی از پاسخ‌دهندگان و ۱۰ نفر از اساتید این حوزه مورد تایید قرار گرفت. همچنین میزان پایایی این پرسشنامه به روش همسانی درونی برای مولفه‌های عوامل اجتماعی- اقتصادی ۰/۸۷، عوامل اعتقادی ۰/۸۱، عوامل حقوقی ۰/۸۶ و عوامل فرهنگی ۰/۸۵ بدست آمد.

فرایند اجرای پژوهش

کلیه‌ی اعضای نمونه براساس شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. به این ترتیب که ابتدا از بین ۴۲ دانشگاه‌های دولتی و غیر دولتی شهر تهران به طور تصادفی ۴ دانشگاه (۲ دانشگاه دولتی - ۲ دانشگاه غیردولتی) انتخاب شد، سپس ۳۰۰ نفر (۱۵۰ نفر مرد- ۱۵۰ نفر زن) با توجه به ملاک‌های ورود- خروج انتخاب شدند. مدت زمان لازم برای تکمیل پرسشنامه‌ها ۲۰ الی ۳۰ دقیقه بود که در داخل کلاس و در زمان استراحت دانشجویان بین ساعت ۱۳ الی ۱۵ بعدازظهر اجرا شد. به این صورت که پرسشنامه‌ها تحویل دانشجویان داده شد و راهنمایی تکمیل آن توسط پژوهشگر انجام شد. در نهایت برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون تحلیل واریانس چند متغیره و آزمون رگرسیون به شیوه گام به گام استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

پژوهش حاضر بر روی ۳۰۰ دانشجوی مجرد (۱۵۰ پسر- ۱۵۰ دختر) با میانگین سنی 24.10 ± 4.71 سال انجام شد. ۲۳۴ نفر از این دانشجویان دوره کارشناسی و ۶۶ نفر دوره ارشد، همچنین، ۱۷۸ نفر بومی و ۱۲۲ نفر غیر بومی، ۱۳۲ نفر شاغل پاره وقت و ۴۲ نفر شاغل تمام وقت و ۱۲۶ نفر بیکار بودند. که برای تعیین مولفه‌های تاخیر در ازدواج از چهار خرده مقیاس عوامل اجتماعی- اقتصادی، اعتقادی، حقوقی و فرهنگی پرسشنامه‌ی محقق ساخته تاخیرسنج ازدواج استفاده شد. از این رو با توجه به تعدد متغیرهای وابسته برای تحلیل داده‌ها از آزمون تحلیل واریانس چند متغیری استفاده شد که در ابتدا به منظور اطمینان از رعایت پیش فرض این آزمون (منظور برابری کوواریانس متغیرهای وابسته در تمامی سطوح متغیر مستقل) از آزمون باکس استفاده شد و نتایج آن حاکی از رعایت این مفروضه بود ($P > 0.05$, $M = 10.87$ باکس M). در گام بعدی با توجه به مقدار ($0.905 = \lambda_{\text{مبدای}}$ ویکلز، $P < 0.001$, $F(4, 294) = 7.716$, $0.83 = \eta^2$) مجذور ایتا) مشخص شد که بین دانشجویان پسر و دختر در عوامل تاخیر در ازدواج به عنوان متغیر ترکیبی وابسته، تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۱- نتایج تحلیل آنوا برای بررسی الگوهای تفاوت در مولفه‌های تاخیر در ازدواج

منابع تغییر	نوع گروه	میانگین	انحراف استاندارد	F	سطح معناداری	مجذور ایتا
عوامل اجتماعی- اقتصادی	پسر	۳۴/۱۷	۹/۵۹۶	۰/۶۱۹	۰/۴۳	-
	دختر	۳۵/۱۱	۹/۸۴۶			
عوامل اعتقادی	پسر	۶/۴۶	۴/۳۶۶	۰/۱۴۶	۰/۷	-
	دختر	۶/۶۵	۴/۴۰۷			
عوامل حقوقی	پسر	۱۴/۸۶	۹/۰۷۲	۲۹/۴۹	۰/۰۰۰۱	۰/۰۹
	دختر	۲۰/۷۷	۹/۷۰۷			

عوامل فرهنگی	پسر	۱۱/۱۳	۵/۸۹۲	۷/۳۶	۰/۰۰۷	۰/۰۲۴
	دختر	۹/۳۱	۵/۶۹۵			

همانطور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود تحلیل هر یک از متغیرهای وابسته به تنهایی بیانگر وجود تفاوت معنادار بین سطوح متغیر مستقل در مولفه‌های عوامل حقوقی ($P < ۰/۰۰۰۱$) و عوامل فرهنگی ($P < ۰/۰۱$) می‌باشد به طوریکه میانگین نمره عوامل حقوقی دانشجویان دختر به طور معناداری بیشتر از دانشجویان پسر می‌باشد. همچنین میانگین نمره عوامل فرهنگی دانشجویان پسر به طور معناداری بیشتر از دانشجویان دختر می‌باشد. در ادامه به منظور مشخص کردن سهم مولفه‌های تاخیر در ازدواج در تبیین واریانس رغبت به ازدواج از آزمون تحلیل رگرسیون خطی چندگانه، به روش گام به گام استفاده شد. از این رو ابتدا به منظور اطمینان از رعایت پیش فرض این آزمون (منظور عدم هم‌خطی) از آماره تولرنس و تورم واریانس (VIF) استفاده شد که هر دو در دامنه ۰/۹۴ الی ۱/۰۶ بود که بیانگر رعایت مفروضه‌ی عدم هم‌خطی بین متغیرهای پیش‌بین می‌باشد.

جدول ۲- رگرسیون رغبت به ازدواج از روی متغیرهای تاخیر در ازدواج

مدل	Beta	R	R ²	R ² تعدیل شده	ΔR ²	ΔF
۱ عوامل فرهنگی	***-۰/۴۷	۰/۴۷	-/۲۲۱	۰/۲۱۹	۰/۲۲۱	***۸۴/۳۸
۲ عوامل فرهنگی	***-۰/۴۶	۰/۵۵	۰/۳۰۹	۰/۳۰۴	۰/۰۸۷	***۳۷/۴۴
عوامل اعتقادی	***-۰/۲۹					
عوامل فرهنگی	***-۰/۴۶۶					
۳ عوامل اعتقادی	***-۰/۲۵	۰/۵۸	۰/۳۴۰	۰/۳۳۳	۰/۰۳۱	***۱۳/۸۶
عوامل اجتماعی- اقتصادی	***-۰/۱۸					

توجه: ۱= عوامل فرهنگی، ۲= عوامل فرهنگی+ عوامل اعتقادی، ۳= عوامل فرهنگی+ عوامل اعتقادی+ عوامل اجتماعی- اقتصادی (عوامل حقوقی به دلیل عدم تغییر معنادار در میزان R² از مدل خارج شدند)، R= ضریب همبستگی چندگانه، R²= ضریب تبیین، ΔR²= مجذور تغییر ضریب همبستگی چندگانه، ΔF= آماره تحلیل واریانس مربوط به مجذور تغییر ضریب همبستگی چندگانه، Beta= ضریب رگرسیون استاندارد، $P < ۰/۰۰۰۱$ ***.

با توجه به جدول ۲، از بین متغیرهای وارد شده به تحلیل برحسب میزان همبستگی با رغبت به ازدواج، مولفه‌های فرهنگی، اعتقادی و اجتماعی- اقتصادی در مدل باقی ماندند و ۳۴ درصد از واریانس رغبت به ازدواج را تبیین می‌کنند.

بعلاوه جهت تعیین سهم نوع سبک‌های دلبستگی در تبیین واریانس رغبت به ازدواج از آزمون تحلیل رگرسیون خطی چندگانه، به روش گام به گام استفاده شد. از این رو ابتدا به منظور اطمینان از رعایت پیش فرض این آزمون (منظور عدم هم‌خطی) از آماره تولرنس و تورم واریانس (VIF) استفاده شد که هر دو در دامنه ۰/۹۴ الی ۱/۰۶ بود که بیانگر رعایت مفروضه‌ی عدم هم‌خطی بین متغیرهای پیش‌بین می‌باشد.

جدول ۳- رگرسیون رغبت به ازدواج از روی سبک‌های دلبستگی

مدل	Beta	R	R ²	R ² تعدیل شده	ΔR ²	ΔF
۱ دلبستگی اجتنابی	*-۰/۱۳۳	۰/۱۳۳	۰/۰۱۸	۰/۰۱۴	۰/۰۱۸	*۵/۳۹
۲ دلبستگی اجتنابی	*-۰/۱۵۸	۰/۱۹۶	۰/۰۳۸	۰/۰۳۲	۰/۰۲۱	*۶/۳۴
دلبستگی ایمن	*۰/۱۴۵					
دلبستگی اجتنابی	*-۰/۱۴۷					
۳ دلبستگی ایمن	*۰/۱۴۴	۰/۲۲۶	۰/۰۵۱	۰/۰۴۱	۰/۰۱۳	*۳/۹۶
دلبستگی دوسوگرا	*-۰/۱۱۳					

توجه: ۱= دلبستگی اجتنابی، ۲= دلبستگی اجتنابی+ دلبستگی ایمن، ۳= دلبستگی اجتنابی+ دلبستگی ایمن+ دلبستگی دوسوگرا، R= ضریب همبستگی چندگانه، R²= ضریب تبیین، ΔR²= مجذور تغییر ضریب همبستگی چندگانه، ΔF= آماره تحلیل واریانس مربوط به مجذور تغییر ضریب همبستگی چندگانه، Beta= ضریب رگرسیون استاندارد، $P < ۰/۰۵$ *.

همانطور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، از بین متغیرهای وارد شده به تحلیل برحسب میزان همبستگی با رغبت به ازدواج، سبک‌های دلبستگی اجتنابی، ایمن و دوسوگرا با ۵/۱ درصد از واریانس رغبت به ازدواج را تبیین می‌کنند.

نتیجه گیری

در این پژوهش علل تجرد و تاخیر در ازدواج دانشجویان مجرد دختر و پسر با تاکید بر سبک‌های دلبستگی آنها مورد مقایسه قرار گرفت. نتایج پژوهش نشان داد که از بین عوامل تاخیر در ازدواج (عوامل اقتصادی- اجتماعی، عوامل حقوقی، عوامل اعتقادی و عوامل فرهنگی)، تنها عوامل فرهنگی، عوامل اعتقادی و عوامل اقتصادی- اجتماعی در مدل باقی ماندند که ۳۴ درصد از واریانس رغبت به ازدواج را تبیین می‌کنند و بیانگر آن است که در میان عوامل تاخیر در ازدواج و تجرد، هر چه میزان عوامل فرهنگی اعتقادی و اجتماعی- اقتصادی در جامعه بیشتر باشد، رغبت افراد به ازدواج کاهش می‌یابد. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های آنجو و آمیونگ (۱۹۹۶)، جانسون (۲۰۰۳)، ایگل و صالحی (۲۰۰۹) و حسین زاده (۱۳۸۷) همسو می‌باشد.

گیدنز در نظریه نوگرایی خود بیان می‌کند: "یکی از مهمترین آفت‌های اجتماعی که هر جامعه‌ای را با مشکل جدی مواجه می‌سازد، فقدان اعتماد میان اعضای جامعه یا به اصطلاح بی اعتمادی است. گسترش بی اعتمادی و دورویی در روابط اجتماعی و گسترش انواع انحرافات اخلاقی در سطح جامعه به نهاد خانواده و مناسبات انسانی نیز تسری یافته و اساساً کیفیت ارتباط با دیگران را دچار شک و تزلزل کرده است (گیدنز، ۱۳۸۸). بدیهی است هرچه اعتماد میان افراد جامعه بیشتر باشد، ریسک ازدواج بالاتر می‌رود و افراد، محتاط‌تر از پیش اقدام به این کار می‌کنند (گیدنز، ۱۳۸۸). از سوی دیگر، بنا به گزارشات خبری بسیاری از جرایم، در چند سال اخیر، نرخ آسیب‌های اجتماعی شبه جرم (از جمله اعتیاد به انواع مواد مخدر، فرار از منزل، قاچاق مواد مخدر و ...) و آمار جرایم، جرائم علیه اموال، علیه اشخاص و علیه اخلاق) و مسائل اجتماعی چون طلاق افزایش چشمگیری داشته است. این مسئله موجب شده که برخی از جوانان اعم از دختر و پسر، جزء قربانیان چنین آسیب‌هایی شوند و بر اثر این آسیب‌ها شور، اشتیاق و انگیزه‌ای برای ازدواج نداشته باشند و برخی دیگر با مشاهده این آسیب‌ها و تجربیات تلخ و ناگوار اطرافیان، به دیدگاه بدبینانه‌ای نسبت به ازدواج دست یابند (مدنی، ۱۳۸۹)، که در مجموع می‌تواند بی اعتمادی اجتماعی را در جامعه افزایش دهد. همچنین با مروری بر مطالعات پیشین می‌توان بیان نمود، نتایج این مطالعه با نتایج پژوهش‌های انجام شده میترا (۲۰۰۴) و اتوایورتی و پای (۲۰۰۳) همسو بوده است.

طبق نظر بودون، همه اعمال و عمل‌های متقابل در روابط اجتماعی دارای محتوی مبادلاتی بوده و رابطه هزینه، مزایا با توجه به معقولیت ترکیب رفتار انسانی در آن مد نظر است (کاظمی‌پور، ۱۳۸۵). از این رو، بر اساس مبادلی بودن روابط، مهریه سنگین، جهیزیه سنگین می‌طلبند و مقدار جهیزیه نیز تقریباً رابطه نسبتاً ثابتی با مقدار نقدینه دارد. لذا سنگین شدن مهریه و نقدینه برای مرد و سنگین شدن جهیزیه برای زن اقتضا دارد که مخارج عقد و عروسی، لباس و هدایای مجلس عقد و عروسی، محل برگزاری جشن، تعداد مدعوین، نوع پذیرایی نیز متناسب با وضعیت مهریه، نقدینه و جهیزیه باشد که این امر سبب می‌شود که کلیه مخارج ازدواج برای طرفین بالاتر رفته و مشکلات را در راه ازدواج جوانان ایجاد می‌کند. همچنین با مروری بر مطالعات پیشین می‌توان بیان نمود، نتایج این مطالعه با نتایج پژوهش‌های انجام شده محمدی (۱۳۸۳) و یعقوبی (۱۳۶۲) همخوانی داشته است. از دیدگاه پارسونز، در جامعه، نظام مشاغل جدید (در برابر مشاغل سنتی) آن طور طراحی شده که عموماً از کانال نظام آموزشی می‌گذرد که خود سال‌های طولانی وقت در نهادهای مربوطه را می‌طلبند که این امر خود سبب بالا رفتن سن ازدواج و تاخیر در بلوغ اقتصادی فرد می‌گردد. مضافاً این که فقدان برنامه ریزی جامع اشتغال- آموزش سبب می‌شود که سازمان‌های آموزشی (مربوط به خرده نظام فرهنگی) اقدام به ارائه آموزش‌های غیر متناسب با بازار کار نمایند که این امر طبعاً تقاضای کاذب برای آموزش ایجاد کرده و در یک دوره زمانی، جامعه بدون اینکه فرصت‌های شغلی جدید بوجود آورد، با پدیده آموزش اضافی روبرو می‌شود که این امر اثرات نامطلوبی بر روی سن ازدواج می‌گذارد. در جامعه کنونی ایران، اشتغال فرصت‌های شغلی مناسب نیاز به آموزش تکمیلی دارد. از سوی دیگر افزایش سطح تحصیلات منجر به بالا رفتن توقعات در انتخاب همسر شده که این امر می‌تواند بر افزایش سن ازدواج تأثیر گذارد.

با توجه به نظریه بکر تحت عنوان "بازار ازدواج" افراد بویژه زنان در بازار به دنبال شریکی می‌گردند که بتواند بیشترین منافع و سود را برای آنان در پی داشته باشد. در واقع بکر با تکیه بر مفهوم عقلانیت اقتصادی اشاره می‌کند، زنان می‌توانند با تحصیلات بالا و ایجاد فرصت کاری بیشتر به ثروت اقتصادی دست یابند. به عبارت دیگر، آنها به وسیله ادامه تحصیل برای آینده خود سرمایه‌گذاری می‌کنند که این امر بیشتر از ثروتی است که از طریق نقش همسر یا مادر به دست می‌آورند که نقش آنها به عنوان همسر یا مادر به آنها می‌دهد (روزینا و فرابونی، ۲۰۰۴). همچنین با مروری بر مطالعات پیشین می‌توان بیان نمود نتایج این مطالعه با نتایج پژوهش‌های انجام شده یعقوبی (۱۳۶۲)، امانی (۱۳۸۰) و کاری (۱۳۸۲) همخوانی داشته است.

در تبیین باورهای مذهبی می‌توان گفت که هرچه اعتقادات و باورهای مذهبی در افراد بیشتر باشد، افراد رغبت بیشتری برای ازدواج کردن دارند. نتیجه حاصل از آزمون این فرضیه با نتایج حاصل از یافته‌های مجدالدین (۱۳۸۶) و شهروزی (۱۳۸۶) همسو می‌باشد.

بعلاوه نتایج پژوهش نشان داد که سبک‌های دلبستگی می‌توانند ۵/۱ درصد از واریانس رغبت به ازدواج را در دانشجویان مجرد دختر و پسر تبیین کنند. بطوریکه افراد با سبک دلبستگی ایمن، رغبت بیشتری برای ازدواج کردن دارند. این یافته با نتایج پژوهش‌های ردرفورد و همکاران (۲۰۰۰)، همسو می‌باشد. در تبیین این فرضیه می‌توان گفت که افراد با سبک دلبستگی ایمن برایشان آسان است که با دیگران رابطه نزدیک برقرار کنند و از

1 - Anju & Amyong

0

1 - Eagle & Salehi

1

1 - Otoo-Oyortey & Pobi

2

اینکه به دیگران تکیه کنند و نیز اجازه دهند که دیگران به آنها تکیه کنند، احساس راحتی می‌کنند. این افراد از اینکه دیگران آنها را ترک کنند یا خیلی به آنها نزدیک شوند احساس نگرانی نمی‌کنند. در حالیکه سبک‌های دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا رابطه منفی با رغبت به ازدواج دارند که می‌توان بیان کرد که افراد با سبک دلبستگی دوسوگرا، به دلیل بدگمانی و عدم اطمینان از دوست داشته شدن و افراد با سبک دلبستگی اجتنابی به دلیل متکی بودن به خود و سخت رابطه صمیمانه با دیگران برقرار کردن، رغبت کمتری به ازدواج دارند.

به طور کلی بر طبق نتایج حاصل از این پژوهش می‌توان گفت، با وجود بیشتر بودن رغبت عملی ازدواج در دختران نسبت به پسران، سن ازدواج روبه افزایش است. مهمترین عامل بیرونی موثر در تاخیر ازدواج دانشجویان، عوامل حقوقی و فرهنگی، و مهم‌ترین عوامل درونی نوع سبک دلبستگی افراد بود، به طوریکه افراد با سبک دلبستگی ایمن، بیشترین رغبت به ازدواج رغبت، و افراد با سبک دلبستگی اضطرابی و دوسوگرا، تمایل کمتری برای ازدواج دارند. از این رو تلاش در جهت آموزش پیشگیرانه به والدین برای ایجاد سبک دلبستگی ایمن در فرزندان و ارائه راهکارهایی به منظور اصلاح سبک دلبستگی جوانان همراه با سیاست‌گذاری مسئولان این حوزه در جهت رفع موانع حقوقی و فرهنگی ازدواج جوانان، در افزایش رغبت به ازدواج و کاهش سن آن موثر خواهد بود.

References

- Abdakht, Hakimeh. (1384). Investigating the social factors affecting the increase in the age of marriage among girls in Tehran. Master's thesis, social work field, Allameh Tabatabai University.
- Amani, Mehdi (1380). A look at forty years of demographic evolution of marriage in Iran (from 1335 to 1375), *Social Science Quarterly*, 17, 33-46.
- Anju M., & Amyong T. (1996). Marriage timing in Srilanka the role of modern norms and India, *Journal of marriage and family*, 58(2): 476- 491.
- Arocho, R., & Kamp Dush, C. M. (2018). Distant horizons: Marital expectations may be dampened by economic circumstances. *Couple and Family Psychology: Research and Practice*, 7(1), 1-11
- Bagarozzi D.A. (2001). *Enhancing intimacy in marriage: In clinician's handbook*. Brunner – Rout- ledge.
- Behirani A. Monastery, Zahra. (1390). Effective social factors in increasing the marriage age of female students, *Sociological Studies of Iran*, 4, 22-38.
- Bradford D., Nicholas w., & Charles S. (2015). One Nation, Divided: Culture, Civic Institutions, and the Marriage Divide. *Future of Children*, 25: 111-27
- Bradford W. (2018). Then Comes Marriage? Religion, Race, and Marriage in Urban America. *Culture & Civilization Book*, 171-202
- Collins N.L., & Read S.J. (1990). Adult attachment, working models, and relationship quality in dating couples. *Journal of Personality*, 8, 53- 71.
- Delkhosh, Mohammad Taghi. (1388). Hierarchy of marriage values in young Iranians. *Family Research Quarterly*, 5(18): 207-230.
- Eagle M. & Salehi E., (2009). *Why are Iranian youth delaying marriage?* Ney York, Free Press.
- Feeney J.A. (1999). *Adult romantic attachment and couple relationships*. In Cassidy, J & Shaver, P. R (eds). *Handbook of attachment: Theory, research and clinical applications*. New York Guildford Press, 355-377.
- Feeney J.A., & Noller P. (1990). Attachment style as a Predictor of Adult Romantic Relationships. *Journal of personality & social Psyc*, 8(2): 281-291.
- Giddens, Anthony. (1387). Beyond Left and Right, translated by Talasi, Mohsen, Tehran: Third.
- Haskins, Ron. (2015). The Family Is Here to Stay or Not. *Future of Children*, Vol. 25 Issue 2, p129
- Hosseinzadeh, Rasul. (1387). Investigating sociological factors effective in increasing the marriage age of young people in Garmsar city. Master's thesis in the field of social science research, Azad University, Rodhan branch.
- Jensen R., & Thornton R. (2003). Early female marriage in the developing world. *Gender and development*, 11(2): 35-51.
- Johnson F.H. (2000). Parental divorce: Long_ term effects on mental health. *Family relations and adult sexual behavior*, 41, 101-105.
- Johnson S.M. (2003). The revolution in couple's therapy: A practitioner- scientist perspective. *Journal of Marital & Family therapy*, 29, 365-385.
- Kari, turquoise. (1382). Investigating the effect of women's education and employment on the delay in marriage age in Tehran. Master's thesis in the field of social science research, Faculty of Social and Economic Sciences, Al-Zahra University.
- Kazemipour, Shahla. (1385). Changes in the marriage age of women in Iran and demographic factors affecting it. *Women's Research*, 2(3): 103-124.
- Lucas, David; Powell, Mir. (1994). An introduction to population studies. Translated by Hossein Mahmoudian (2014). Tehran: Tehran University Press.
- Madani, Roya Sadat. (1389). Investigating socio-economic factors affecting the delay in marriage age (celibacy), a case study of girls and boys in Tehran. Master's thesis in the field of Women's Studies, Islamic Azad University, Rodhan Branch.
- Mahmoudian, Hossein. (1383). The increasing age of marriage: an examination of supporting factors. *Journal of Social Sciences*. 24, 27-53.
- Mehzoun, Ali Akbar. (2015). The latest statistics on marriage, divorce, never-married youth, definite celibacy and remarriage/higher probability of celibacy in women, Bureau of Statistics and Demographic Information and Immigration.
- Mitra P. (2004). Effect of socio_ economic characteristic on age at marriage and total fertility in Nepal, *Journal of health and population*, 221, 84- 96.

- Mohammadi, Zahra. (1383). Investigating the social harms of women in the decade (1380-1370), public relations publications of the Women's Social-Cultural Council.
- Mojduddin, Akbar. (1386). Investigating the reasons and effects of increasing the marriage age of rural girls in Ashtian. *Journal of Human Sciences*, 53, 375-386.
- Moradi, Golmarad; Safarian, Mohsen. (2011). Social and economic factors related to increasing the marriage age of young people (Kermanshah city case study). *Youth Sociological Studies Quarterly*, 3(7):81-108.
- Otoo-oyortey N., & Pobi S. (2003). Early marriage and poverty: exploring links and key policy issues. *Gender and development*, 11(2): 21-43.
- Qusiumbing A.K., & Hallman K. (2003). *Marriage in transition: Evidence on age, Education & asserts from six developing countries*. New York. Population. Council.
- Raley R. K., Sweeney M., & Wondra D. (2015). The Growing Racial and Ethnic Divide in U.S. Marriage Patterns. *Future of Children*; Executive Summary, p89
- Rashidian, Azam; Pajohan, Ali. (2018). Sociological factors affecting the increase of single life and providing solutions to solve this problem. The fourth international conference on modern researches in the field of educational sciences, psychology and social studies of Iran, Tehran. <https://civilica.com/doc/919350>
- Retherford R., et.al, (2001). Late marriage and less marriage in Japan. *Population and Development review*, 27(1): 77-91.
- Ronald I., & Baker W.E. (2000). Modernization, cultural change, and the persistence of traditional values. *American Sociological Review*, 65(1): 19- 51.
- Shahnavaz, Sara; Azam Azadeh, Mansoura. (2018). Identification and analysis of drivers affecting celibacy in Iran. *Social Issues of Iran (Khwarazmi University)*, 10(2), 157-191.
- Shahrouzi, Laleh. (1386). Investigating the social consequences of increasing the age of marriage for girls of the Faculty of Social Sciences, University of Tehran. Master's thesis of the Faculty of Social Sciences, University of Tehran.
- Sharp E.L., & Ganong M. (2007). Living in the Gray: Women experience of missing the marital than sition. *Journal of marriage and family studies taxes Tech University*, 96 (3): 831-844.
- Simpson J.A., Rholes W.S. & Nelligan J.S. (1998). Attachment Theory & Close Relationships. *New York: Guilford Press*.
- Talaiyan, Rezvaneh; Vazpour, Soghari. (1382). Attachment and mental health in adolescence, Master's student in counseling, Andisheh Family Journal, 13, 12-25.
- Wang W., & Bradford W. (2017). The Millennial Success Sequence: Marriage, Kids, and the 'Success Sequence' Among Young Adults. American Enterprise Institute and Institute for Family Studies.
- Yaqoubi, Ali. (1362). Investigating sociological factors effective in raising the marriage age of young people in Rasht. Dissertation for the master's degree of Shahid Bahonar University of Kerman
- Zarean, Mansoura. (2017). An exploratory study of the reasons for delay in marriage age from the perspective of student girls in Tehran. *Women and Family Studies*, 6(2), 86-110.